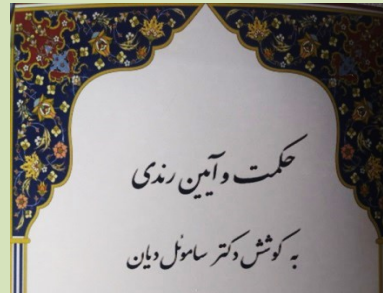


یادداشت هایی درباره کتابچه حکمت و آیین رندی

نوشته دکتر ساموئل دیان



سخنی کوتاه بر " حکمت و آیین رندی "

مرتضی حسینی دهکردی

در بررسی تاریخ معاصر ایران به ندرت می توان افرادی را دید که علاوه بر اشتغال در امور پزشکی، در کارهای فرهنگی و ادبیات پارسی نیز صائب نظر بوده و در این زمینه آثار ماندگاری به وجود آورده باشند.

سال ها قبل برای نخستین بار با نام دکتر قاسم غنی، پزشک پر آوازه آشنا شدم که در دنیای شعر و ادب و فرهنگ ایران از صاحب نظران به شمار می آمد و پژوهش های ارجمندش درباره سخن حافظ و مکاتب عرفانی از آثار مرجع محسوب می شد. دکتر شاهرخ احکامی نیز از جان های شیفته ای است که سال هاست در آمریکا مجله معتبر «میراث ایران» را منتشر می کند.

وقتی فصلنامه «آرمان» در آمریکا انتشار یافت، در نهایت ناباوری متوجه شدم که بانی خیر و موسس و مدیر دانشمند این نشریه پرمحتوا، دندان پزشک سرشناسی است به نام دکتر ساموئل دیان که به علت اشتیاق به شعر و ادبیات پارسی و تاریخ و فرهنگ و هنر ایران، به چنین کار موفقی پرداخته است. نشریه ای در امتداد مجلات معتبر: «سخن»، «یغما»، «وحید»، «یادگار»، «ره آورد»، «روزگار نو»، «میراث ایران»، «راهنمای کتاب» و «دفتر هنر»، نشریات پربار و آموزنده ای که در گنجینه فرهنگ و هنر و ادبیات ایران، همواره باقی می مانند.

در بهار گذشته، به همراه شماره ۱۳ مجله آرمان، دفتر کوچکی به نام «حکمت و آیین رندی» اثر دکتر دیان به دستم رسید که خواندن آن شگفتی فراوان مرا موجب شد. در این دفتر، نویسنده

دانشمند، به وجه بدیع و استادانه ای موفق شده مفاهیم «رند» و «رندی» را در شعر حافظ و ادبیات پارسی مورد بحث و گفتگو قرار داده و با ارائه شواهد ادبی و هنری گوناگون، مفاهیم پیچیده فلسفی را تشریح نماید و خوانندگان را با «حکمت و آیین رندی» آشنا نماید.

گفتنی است که در فرهنگ لغات و اصطلاحات زبان پارسی، برای کلمات رند و رندی معانی گوناگون و متضاد ذکر شده و از آن جمله رند به مفهوم: زیرک، حيله گر، محیل، لاقید، لابلای، آن که به آداب و رسوم اجتماعی پای بند نباشد، آن که ظاهر خود را ملامت دارد، ولی باطنش سالم است و بالاخره آن که جز آفریدگار به هیچ قیدی تقید ندارد، آمده است. (جلد دوم فرهنگ معین صفحه ۱۶۷۶) و خوانندگان شعر پارسی که به چنین کلمات و تعاریفی برخورد می کنند، به راحتی نمی توانند مفهوم اشعار را دریابند و به عمق کلام شاعر پی ببرند.

دکتر دیان با پژوهشی عمیق و همه جانبه در دیوان حافظ، به وجه استادانه ای موفق شده تا مفاهیم رند و رندی را برای خوانندگان توضیح دهد و آنها را با جوهر کلام شعرای عرفانی ایران آشنا سازد. به باور دکتر دیان، آیین رندی مبشر آزادگی و مفسر راه و روش آزاده زیستن به شمار رفته و راز جاودانگی شعر حافظ به شمار می آید.

برای دکتر دیان و همکاران فرزانه و ارجمندش، شیریندخت دقیقیان، سردبیر، و دکتر مهدی سیاح زاده، مدیر مسئول آرمان، آرزوی سلامتی و موفقیت دارم.

دکتر ساموئل دیان، آرمان و رندی حافظ

غفور میرزائی

در اوایل خرداد ماه سال ۱۳۵۵ که با همسر و دو فرزندم به آمریکا مهاجرت کردم، در لس آنجلس شاید بجز چند هزار ایرانی که بیشتر مشغول تحصیل در دانشگاه ها بودند از رادیو تلویزیون و روزنامه و مجله ایرانی خبری نبود. انقلاب بهمن ماه ۱۳۵۷ سبب مهاجرت میلیون ها ایرانی به خارج از کشور شد. هزارها هزار از این مهاجرین به لس آنجلس آمدند و کم کم رادیو تلویزیون و روزنامه و مجله ایرانی هم در کالیفرنیا تاسیس و برقرار گردید. در سه سال گذشته، فصلنامه آرمان و مطالب جالب و متنوع آن و به ویژه این که یک دکتر دندانپزشک با بودجه شخصی خود مخارج آن را به عهده گرفته، نظر مرا جلب کرده است. در میان مهاجران ایرانی کسانی بودند که شغلشان روزنامه و مجله نویسی بوده است و در لس آنجلس و کالیفرنیا برای

تامین زندگی مادی خود، روزنامه و مجله برقرار و نویسندگانی را نیز استخدام کردند. ولی من از وجود دو مجله که در آنها مقاله هم می نوشتم آگاهی دارم که بنیانگذاران آنها نویسنده بودند، ولی مجله را با پول خود راه انداختند؛ نه برای تامین مخارج خود، بلکه برای ادامه نویسنده‌گی و کار و حرفه پیشین. این دو مجله یکی مجله "ملت بیدار" بود که اولین شماره اش در سال ۱۳۶۰ و آخرین شماره اش در آذر ۱۳۶۵ منتشر شد و موسس و ناشر آن علی اصغر مهاجر رئیس انتشارات فرانکلین بود. دیگری مجله "ره آورد" است که به وسیله زنده یاد حسن شهباز، نویسنده و مترجم و سخنور نامدار استوار گردید.

البته تفاوت بین دو مجله این بود که اولی پولدار بود و همه مخارج را خودش پرداخت می کرد، اما حسن شهباز بعد از انقلاب از ایران آمده بود و نتوانست با فروش خانه و امکانات دیگرش پولی برای مهاجرت تامین کند. در لس آنجلس آقای نادر صالح، بنیانگذار انجمن ایرانیان، که از آمدن دوستش حسن شهباز به واشنگتن مطلع شد، او را به لس آنجلس دعوت کرد و همراه سه نفر از دوستان خودش و شهباز، مخارج چاپ و انتشار یک مجله را تامین کردند. شهباز فصلنامه ره آورد را آغاز کرد و اولین شماره آن در فروردین ۱۳۶۱ انتشار یافت. تفاوت آن دو مجله با آرمان شاید در این بود که آقای مهاجر و شهباز در ایران کارشان نویسندگی بوده، ولی آقای دکتر دیان شغل اصلی اش دندانپزشکی بوده و فصلنامه آرمان را بنیاد گذاشته که سومین نشریه فرهنگی می باشد که با هزینه شخصی اداره می شود.

به تازگی نیز دکتر دیان، ذوق و درک ادبی خود را با نگارش کتابی درباره حافظ نشان داده که حاکی از ژرفای دانش او در مورد نکته های پیچیده ادب فارسی و راز و رمزهای عرفانی آن است.

امیدوارم که خوانندگان گرامی فصلنامه آرمان نیز از حمایت برای تداوم انتشار مجله ای که نیاز ادبی و هنری جوانان و همه نسل ها را ارائه می دهد و سیراب می کند، دست نکشند. در اینجا لازم می دانم که از همکاری دوست دانشمندم استاد مهدی سیاح زاده، مولوی شناس نامدار و همچنین دوست دیگرم خانم دکتر شیریندخت دقیقیان که سردبیری آرمان را به عهده دارند، سپاسگزاری کنم.

غفور میرزایی

لس آنجلس، جولای ۲۰۲۰



حکمت و آیین رندی

دکتر ساموئل دیان بخش اول

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

شمس الدین محمد حافظ، یکی از دو بزرگترین غزلسرایان ایران، در اوایل قرن هشتم هجری قمری پا به عرصه وجود گذاشت. حافظ شناسان، ادیبان، ادب پژوهان و ناموران حافظ شناس کتاب ها، مقالات و تفسیرهای فراوانی درباره این ابرشاعری که عنوان پربار و فاخر و منحصر به فرد مقام «لسان الغیبی» را گرفته است نوشته اند و همچنان خواهند نوشت.

آیین رندی والاترین و الهام بخش ترین پیام حافظ برای دنیای بشریت است. او به اوج رساننده طریقت رندی است که با خصوصیات و فضائلی که توصیف کرده، پیام آور و پایه گذار آیینی است که در آن «رند» نماد انسان کامل «حافظ»، مبشر آیین آزادگی و مفسر راه و روش آزاده زیستن انسان ها است.

نکته ای که مدت ها است ذهن مرا مشغول کرده، این است که اولاً چرا این طریقت بعد از مرگ حافظ به بیراهه رفت، فراموش گشت و ایرانگیر نشد. ثانیاً این آیین آزادگی و آزاده زیستن از طرف مفسران ادبی و حافظ شناسان چرا بعد از مرگ حافظ مغفول ماند و آن طور که بایسته است برای نسل های بعد از او تفسیر و توضیح داده نشد. در اینجا از استادان ارجمند بهاءالدین خرمشاهی، داریوش آشوری، مرحوم استاد دکتر حسین علی هروی، امیر ناصر ملکی که در این زمینه از نوشته هایشان بهره برده ام، سپاس فراوان دارم.

رابطه عرفان و رندی، مهمترین و نیز پیچیده ترین و مشکل ترین نکته در فهم و تفسیر دیوان حافظ است. حال در سفری عرفانی و کوتاه ببینیم آیین رندی از دل چه عرفانی زاییده شد و بر چه بنیادی استوار است:

در قرن اول و دوم هجری، تصوف زاهدانه با چهره هایی چون حسن بصری آغاز به رونمایی کرد. اینان زاهدانی ریاضت کش و گوشه گیر بودند دچار خوف بی نهایت از خدا و عذاب آخرت که با زهد ورزی در اندیشه نجات بخشیدن روح خود از این جهان آلوده به گناه بودند. بزرگترین اصل برای زاهدان دنیا گریز و دنیا ستیز، تسلیم مطلق در برابر خدا و کلام خدا بود. بعداً صوفیانی پیدا شدند که در تفسیر اسطوره آفرینش، رابطه دیگری میان انسان و خدا کشف نمودند که عشق بینهایت به خدا را جانشین ترس بینهایت از خدا ساختند. بدین ترتیب صوفیان خوش ذوقی مانند بایزید، ابوسعید ابوالخیر، خواجه عبدالله انصاری و رشید الدین میبدی، عشق انسان به خدا و اشتیاق خدا به انسان را ترویج کردند.

در خراسان این تصوف عاشقانه با تاثیرپذیری از رهبانیت بودایی و آیین های هندی با آمدن صوفیان بزرگی همچون سنایی و عطار و مولوی به اوج نظریه پردازی خود می رسد. بدین ترتیب از دل گفتمان دنیا ستیز و آخرت پرست زاهدانه نخستین، گفتمان عارفانه عاشقانه ای رونمایی می شود که عشق خدا به انسان و متقابلاً انسان به خدا را توصیف کرده و با اشتیاق در انتظار دیدار یار و وصل به منشاء و اصل خویش و پیوستن به آن است.

دیگران از مرگ مهلت خواستند

عارفان گویند نی نی زودتر بیا

در اینجا خوف زاهدانه یکسر جای خود را به شور عاشقانه ای می دهد که ماجرای هبوط به حماسه سفر روح در تن آدم و بازگشت آن به اصل خویش را توجیه می کند. سرتاسر دیوان مولوی و شمس، حماسه بیگانگی روح در این عالم بر اثر جدامانگی از اصل خویش و تمنا و اشتیاق برای بازگشت و وصل دوباره خویش است: «شرح درد فراق و تمنای وصال». در گذار گفتمان صوفیانه به شیراز دگردیسی دیگری از دل آن سر بیرون می آید و آن گفتمان رندانه است که با غزل های شاعرانه و زندگی پرست سعدی و حافظ به اوج می رسد.

حال ببینم رند چه شخصی است و در مقاطع مختلف تاریخ چه مسیری را پیموده است.

رند کیست؟

تعریفی که برهان قاطع از رندیت به دست می دهد، مردمانی محیل و زیرک و بی باک و منکر و لالایی و بی قید است. رند، هنجارشکن و بی قید است.

اولین بار در دیوان سنایی است که رند، قدر و منزلت دیگری پیدا می کند.

*خیز و بتا راه خرابات گیر
 مذهب قلاشی و طامات گیر
 *مذهب رندان و خدایان دهر
 صحبت اصحاب خرابات گیر
 *تا خدمت رندان نگزینی با دل و جان
 شایسته سکان سماوات نگر دی

و نزد خیام:

*هر ناله که رندی به سحرگاه زند
 از طاعت زاهدان سالوس به است
 *رندی دیدم نشسته بر خنگ زمین
 نه کفر نه اسلام نه دنیا و نه دین
 *نه حق نه حقیقت نه شریعت نه یقین
 اندر دو جهان کرا بود زهره این

رند نزد عطار، کلاش و لایالی و درد نوش:

*من این رندان مفلس را همه عاشق همی بینم
 شما یک عاشق صادق چنین بیدار بنمایید
 *مذهب رندان خرابات گیر
 خرقة و سجاده بیفکن زدوش

سعدی و رند:

از دید سعدی، رند، مست و دردی کش نافرزانه و عاشق پیشه و شاهد باز، مخالف با زهد و زاهد و نام و ننگ است: "من این رندان و مستان را دوست دارم خلاف پارسایان و خطیان".

*ساقیا می ده که ما دردی کش میخانه ایم
 با خرابات آشناییم از خرد بیگانه ایم
 گرچه قومی را صلاح و نیکنامی ظاهر است
 ما به قلّاشی و رندی در جهان افسانه‌ایم
 خلق می گویند جاه و فضل در فرزانیگی ست
 گو مباش این‌ها، که ما رندانِ نافرزان‌ایم

رندی و مسعود سعد سلمان:

*درون صافی از اهل صلاح و زهد مجوی
 که این نشانه رندان دردی آشام است
 ملامت مکن رندان و ذکر بدنامی
 که هرچه پیش تو ننگ است، پیش ما نام است

رندی نزد حافظ:

حافظ با وام گرفتن مفهوم رندی از پیشینیان خود، منطق، آیین و رفتار رندانۀ خود را پی ریزی می کند. هم او است که میراث تاریخی رندانۀ را که از عارفان پیش از خود گرفته دلیرانه با جهان بینی و اندیشه نگری همراه ساخته، با اشاره به نحوه رند زیستن و آیین رندی به کمال می - رساند.

ذهنیت حافظ در تمام عمر خود پیگیری روایت اسطوره آفرینش آدم است.

حافظ که خود را انسانی اندیشمند و اندیشه گر می داند در ماجرای ماموریت ازلی یعنی حمل بار امانت جایگاه خود را از شیخ و زاهد و مفتی و محتسب و شاه و وزیر در مکان ویژه مخصوصی می بیند که امتیاز کشیدن بار گران عاشقی در راه برآوردن خواست معشوق را به دوش می کشد.

رند و آفریدگار:

*آن نیست که رندی را بشد از خاطر
 کاین سابقه پیشین تا روز پسین باشد

«انسان کامل- رند» حافظ زندگی و رفتار خود را در پرتو آن سرنمون ازلی و تقدیری که «کارفرمای قدر» برای او رقم زده است، معنا و توجیه می کند. در اسطوره آفرینش در آن کارگاه که فرشتگان مشغول سرشتن گل آدم هستند، در آن لحظه ای که ساقی (یار- دوست- معشوق) لب بر لب وی نهاده و از روح خود در او دمیده، همان دم که چشمش گوشه ای از جمال یار را دیده و هستی زندگی را از لب او برچیده، داستان دلدادگی پرشوری آغاز می- شود و آدم، عشق ورزیدن به جمال محبوب ازلی را به جان می خرد. بدین سان، آدم حامل یار امانتی می شود که به خواست معشوق برای تجلی بزرگی و زیبایی و عظمت او رهسپار کره زمین می شود.

***در ازل پرتو حسنت به تجلی دم زد**

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

***در ازل داده است ما را ساقی لعل لب**

جرعه جامی که مدهوش آن جامم هنوز

حافظ در ماجرای ماموریت ازلی یعنی حمل بار امانت و عشق پرشور و وفاداری تمام به معشوق، طریقت رندی یگانه انسانی (رند) را می بیند که در برابر شیخ و مفتی و محتسب و شاه و وزیر در جایگاه بالاتری قرار دارد. غزل های او بازگوکننده سفر روح و زندگی شمس الدین محمد حافظ شیرازی و ماجراهایی است که بر او می گذرد و اصلی ترین آن ها کشیدن بار امانت و سرسپردگی عاشقانه به معشوق ازلی می باشد.

***حافظ گمشده را با غمت ای جان عزیز**

اتحادی است که در عهد قدیم افتاده است

حافظ در این ماجرا، عاشق پاکبازی است که عشق ورزیدن به جمال محبوب ازلی را به جان می خرد و به خواست او زندگی فرشته وار بهشت را فروگذاشته، برای تجلی زیبایی یار رهسپار عالمی شود که پر از خطر، بلا، رسوایی و خوش خوارگی است. او در مقام عاشق پاک باز و نماینده برگزیده محبوب ازلی با جسارت و دلیری در افشاگری و رسوا کردن واعظ و زاهد و شیخ که با تظاهر به پرهیزکاری مردم را فریب داده و در خلوت آن کارهای دیگر انجام می- دهند، هرگز درنگ و پروا نمی کند. بخش دوم همراه با دیگر نقدهای رسیده در شماره آینده آرمان منتشر خواهد شد.